

حق مداری در رسانه ها از دیدگاه قرآن

ساجده سادات مرتضوی

دکتر محسن خاکی استوده نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

استادیار گروه هدایت دانشگاه اصفهان

چکیده:

با مطالعه در آیات قرآنی درمی یابیم که بنیان اسلام بر اساس حق و حقیقت استوار شده است و یکی از رموز جاودانگی و زوال ناپذیری آیات قرآنی استواری آنها بر اساس حق می باشد. چنانچه در آیه ای از آیات قرآن کریم چنین آمده:

بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق (انبیاء: ۱۸)

در این آیه خداوند متعال به غلبه ی حق بر باطل و زوال پذیری باطل اشاره می کند.

با توجه به اهمیت حق در منظر قرآن که خود بزرگ ترین رسانه برای افراد انسان در همه ی اعصار و دوره ها می باشد، درمی یابیم که رسانه های اسلامی نیز موظف به اعمال حقیقت در تمام عرصه های فعالیت خود می باشند. که یکی از مهم ترین آنها عرصه ی خبرگزاری می باشد. رسانه ها موظفند درباره ی اخبار موضع گیری مبتنی بر حق داشته باشند و به طور کلی تمامی تصویرها و برنامه ها را طوری تنظیم کنند که موجب هدایت و کمال انسان ها گردد.

کلید واژه:

حق مداری، رسانه، حق گوئی، حق جویی

رسانه ها و اصل حق مداری:

بدون تردید اصحاب رسانه همچون دست اندرکاران تدوین یک روزنامه، مجله یا تلویزیون، اعم از سردبیران، خبرنگاران، طراحان هنری، و... در هر یک از مراحل کاری خویش، معیار و میزانی را برای گزینش پیش رو دارند.

انتخاب یک رویداد از میان انبوه رویدادها، نحوه ی تبدیل آن به خبر و چگونگی نقل آن، وارد نمودن بیش فرض ها و دیدگاه های شخصی در تهیه ی گزارش ها، اهمیت دادن به برخی از ابعاد یک رویداد و بی توجهی به سایر ابعاد، کیفیت برگزاری یک مصاحبه و تنظیم سوالات و ده ها مساله ی دیگر وجود دارند که هیچ کدام خالی از نوعی گزینش گری نمی باشد. درحقیقت هر جا گزینشی وجود داشته باشد نوعی داوری در میان است و داوری نیز بدون معیار و میزان امکان پذیر نخواهد بود.

اما در مورد این مساله که آیا در این میان معیار و میزان عمومی وجود دارد یا نه، می توان با گذر بر آیات شریف قرآن کریم و میراث ارزشمند امامان معصوم (ع) به اصلی کلی در این زمینه دست یافت که قابلیت



این برداشت از آیات که حق گویی در اخبار به معنای تفسیر و تحلیل دقیق و صحیح است با معنای لغوی و بیان مفسران نیز سازگار است. در لغت حق را امر زایل نشدنی دانسته اند که این معنا با صدق و کذب سازگار نیست. (راغب اصفهانی، ص ۱۲۵) (پویا، ص ۱۳۲)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ی ۳ سوره مبارکه آل عمران: (نزل علیک الکتاب بالحق) چنین آورده است: «به طور کلی حق و صدق عبارت است از خبر مطابق با واقع، با این تفاوت که چنین خبری را از آن جهت که در مقابلش واقعیتی خارجی وثابت وجود دارد حق گویند و از این جهت که خود خبر مطابق با آن واقعیت خارجی است صدق می نامند.» (طباطبایی، ج ۳، ص ۹) (پویا، ص ۱۳۴).

در برخی دیگر از آیات قرآن موضع مقابل حق به عنوان بازی و شوخی مطرح شده است. هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) با اقدامات و بیانات خود به سستی و اشتباه بودن عقاید و افکار قوم بت پرست زمان خود می پردازد، آن از او می پرسند که آیا حرف حقی داری یا ما را به بازی و شوخی گرفته ای؟

(قالوا اجئتنا بالحق ام انت من اللاعین)
اشیاء-۵۵.

در سخنان مخاطبان حضرت ابراهیم (ع) در می یابیم که مخاطب به دنبال کسب اعتماد نسبت به صحت تحلیل پیام و جدی بودن آن می باشد و به همین جهت که مخاطب به طور طبیعی و بر اساس فطرت در برابر خبر مردد است، پس رسانه نیز می بایست در ارسال پیام با درک صحیح این ویژگی مخاطب، موضع گیری خود در مسائل مختلف (به ویژه خبر) را به نحوی عرضه کند که اعتماد مخاطب جلب شود و دیدگاه رسانه به طور جدی و به دور از تحلیل های سطحی، منفعت طلبانه تجلی نماید. (پویا، ص ۴۱) اکنون لازم می باشد که به بیان و شرح برخی از زوایای این اصل مهم از دیدگاه قرآن و روایات بپردازیم: حضرت علی (ع) در چندین مورد به فضیلت حق اشاره میکنند، چنان چه می فرمایند:

« الحق سیف قاطع. » « الحق افضل سبیل. »
الحق اقوی ظهیر « آمدی، ص ۶۸

■ آگاهی عمیق نسبت به واقعیت:

یکی از نکات حائز اهمیتی که منجر به گفتن حق می شود، آگاهی عمیق انسان ها نسبت به واقعیت می

به کارگیری در تمام ابعاد و مراحل فعالیت رسانه ای را به عنوان معیاری برای گزینش و انتخاب دارد و آن چیزی نیست جز اصل «اصالت حق» یا «حق مداری». انسان هم به الزام دین و هم به حکم خرد موظف به حق گرایی میباشد و شاید کمتر اصل اخلاقی و ارزشی به چنین وسعتی وجود داشته باشد، به این معنا که حق مداری هم در ساحت اندیشه و اعتقاد مطرح می شود و هم در صحنه ی کردار و عمل. انسان حق گرا همواره در پی آن است که معارف خود را بر اساس حق بنا کند و آن را از نفوذ هرگونه اعتقاد باطل و ناروا نگاه دارد. جان و دل انسان حق مدار در مقابل حقیقت خاضع می باشد و به هیچ بهایی حاضر به انکار حقیقت نمی باشد. چنین انسانی همواره تلاش می کند که اعمالش از محدوده ی حق فراتر نرود و دست خود را به اعمال زشت و ناپسند آلوده نکند. انسان حق مدار کسی است که در پی یافتن حق است و آن گاه که آن را می جوید، اعمال خویش را با آن مطابق می کند. قرآن کریم و امامان معصوم (ع) در جای جای سخنان خود همواره به این واقعیت اساسی اشاره می کنند و از آن پرده بر می دارند. (رویکرد اخلاقی در رسانه ها، ص ۹۵) (شخص فولادی، ص ۹۱)

■ تفاوت حق گویی با واقع گویی:

بر بایی و اظهار حق، از برجسته ترین ویژگی های مثبت بشری است که در برخی از آیات قرآن کریم به آن اشاره شده است. از بررسی آیات قرآن به این نتیجه می رسیم که حق گویی با واقع گویی تفاوت دارد. به طور مثال واقع گویی در خبر به صدق و کذب خبر و عرضه ی مطابق با واقع و به دور از تحریف آن باز می گردد و از این رو واقع گویی در مقابل دروغ گویی قرار دارد. اما حق گویی، به نحوه ی تفسیر و تحلیل درباره ی رویدادها می باشد و نوعی قضاوت و اعلام نظر در مورد مفاد خبر است. از این رو حق گویی در برابر باطل گویی قرار دارد و به همین جهت قرآن در برخی از آیتش، فاصله گرفتن از حق گویی را رفتن به سوی باطل دانسته و این دو را در مقابل هم ذکر کرده است:

(یا اهل الکتاب لم تبسروا الحق بالباطل و
تکتبوا الحق وانتم تعلمون) (آل عمران- ۷۱)

هم چنین از کاربرد وصف «حق» در آیات دیگر، این موضوع بیشتر روشن می شود که حق گویی در خبر به تفسیر صحیح و به دور از کژی بر می گردد:

(ان هذا لیهو القصص الحق) (آل عمران- ۲۶)



اخبار موثق، در حفظ دقیق آن بکوشند تا هنگام نقل آن تغییر و تحولی در مضمون آن رخ ندهد. (مطبوعات اسلامی، ص ۱۸۱)

■ پرهیز از بیان آنچه به آن علم نداریم:

به طور کلی در قرآن و روایات معصومین (ع) به بیان نکردن آن چه به آن علم نداریم بسیار سفارش شده است. در ذیل به بیان مختصر برخی از آن ها می پردازیم:

درسوره ی انعام کسانی را که بدون داشتن علم به بیان مطلبی می پردازند نکوهش کرده است. برخی از این آیات عبارتند از:

(ثانیه ازواج من الضار اثبین و من المعز اثبین قل ء الذکرین حرم ام الاثبیین اما اثتمت علیه ارحام الاثبیین ننبونی بعام ان کنتم صادقین) (انعام ۱۲۳)

درآیه ی بعدی به این مطلب اشاره شده که کسانی که مردم را بدون علم گمراه می کنند از ظالمان هستند:

(فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیبضل الناس بغير علم ان الله لایهدی القوم الظالمین) (انعام ۱۲۴)

آیات دیگر عبارتند از:

(ومن الناس من یجادل فی الله بغير علم ویتبع کل شیطان مریدا) (حج ۳)

(ومن الناس من یجادل فی الله بغير علم ولا ھدی ولا کتاب منیر) (حج ۸)

(قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغی بغير الحق و ان تشرکوا بالله ما لم یبزل به سلطانا و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون) (اعراف ۳۲)

حضرت علی (ع) نیز در سخنان خود به این مطلب اشاره داشته است، آن جا که می فرماید:

«ایاک و الکلام فیما لا تعرف طریقته و لا تعلم حقیقته فان قولک یدل علی عقلک و عبارتتک تنبی ء عن معرفتک فتوق من طول لسانک ما امنتہ و اختصر من کلامک ما استحسنته فانه بک اجمل و علی فضلك اولی» (آمدی، ص ۲۱۰)

«دع القول فیما لا تعرف والخطاب فیما لم تکلف و أمسک عن طریق اذا خفت ضلالتہ» (همان)
«من ترک قول لا ادری اصیت مقاتله» (همان)

باشد. بدین لحاظ لزوم اهتمام مسئولان رسانه های گروهی به بررسی ابعاد مختلف یک خبر برای رسیدن به دریافتی عمیق و واقع بینانه، پرواضح است. گاهی ممکن است تحقیق پیرامون یک مسأله، به منظور کشف حقیقت، مستلزم تلاشی مضاعف و برخورد با مشکلات و سختی ها باشد. اما خبرنگار حق طلب و متعهد، خود را موظف می داند که هرگاه تصمیم به تهیه ی خبر و گزارشی نمود، تمام تلاش و همت خویش را به منظور دریافت کامل تر و عینی تر از واقعیت به کار بندد و همین آگاهی دقیق و جامع نسبت به واقعیتی که قرار است برای دیگران بیان شود، موجب اعتلای سطح اعتبار و دقت خبر می شود.

حضرت علی در خطبه ی ۲۰۱ نهج البلاغه، ابتدا اصناف چهارگانه ی راویان خبر را برشمرده اند و سپس به شرح خصوصیات هریک از آن ها می پردازند. آن گاه با لحنی سرزنش آمیز از کاهلی و سستی برخی از اصحاب پیامبر (ص) شکایت می کنند. گناه این گروه در نظر حضرت علی آن است که در امر سوال از پیامبر کوتاهی می کنند و منتظر می شوند تا فردی از بادیه نشینان از راه برسد و از پیامبر (ص) سوالی بپرسد، تا آن گاه آنان نیز از پاسخ هایی که پیامبر (ص) به آن شخص غریب می دهد، استفاده کنند.

امام علی پس از نکوهش این گروه از کاهلان، منش و روش خود را مبتنی بر پرسش و صف می کند و در این رابطه می فرماید:

(...وکان لا یمربی من ذلک شیء الا سألته عنه و حفظته...)

از کلام حضرت علی دو نکته ی مهم استفاده می شود:

نخست آن که، امام در هیچ یک از مواردی که جای سوال از پیامبر (ص) بوده است، کوتاهی نکرد و به منظور کشف حقیقت همواره به پرسش از ایشان می پرداخت .

دوم آن که، پس از پرسش پاسخ پیامبر را به دقت وبدون کوچک ترین تغییر و تحریفی، حفظ نموده است .

لذا از این کلام دو وظیفه ی مهم اصحاب رسانه ها به خصوص خبرنگاران قابل استنباط است: اول آن که، تا حد امکان از هیچ تلاشی برای دریافت حقیقت فرونگذارند و از هر طریق مشروعی برای کسب خبر به بهترین نحو ممکن بهره گیرند. دوم آن که، پس از دریافت

«لا تقولوا فيما لا تعرفون فان اكثر الحق فيما تتكرون» (همان)

و در سخنی دیگر حق را شایسته ترین چیز برای تبعیت می داند:

«الحق احق ان يتبع» (آمدی، ص ۶۹)

حضرت در بیانی دیگر به داوری دادگرانه اشاره می کند و می گوید: داوری دادگرانه تنها بر مبنای حق شکل می گیرد:

«اعدل الخلق اقضاهم بالحق» (همان)

و در جایی دیگر صراحتاً به عمل به حق اشاره می نماید:

«كن عالماً بالحق عاملاً به ینجك الله سبحانه» (آمدی، ص ۷۱)

■ حضرت علی (ع) بهترین امور را آن می داند که چهره ی حق را آشکار کند:

«خیر الامور ما اسفر عن الحق» (همان)

آیا بیان حقیقت در هر موقعیت و شرایطی جایز می باشد؟ در بعضی موارد به علت پاره ای از ملاحظات اخلاقی می بایست از بیان و انتشار برخی از اخبار پرهیز نمود. در متن قرآن کریم نیز در چند مورد، توره (پنهان کردن حق یا نشان دادن آن به شکلی دیگر)، صورت گرفته و در پاسخ به این پرسش که آیا هر حقیقتی باید در هر موقعیتی بیان شود یا نه، چنین فرموده است: مورد اول در ماجرای بت شکنی حضرت ابراهیم (ع) می باشد:

(قال بل فعله کبیرهم هذا فاسالوهم ان کانوا ینطقون.) (انبیاء-۶۳)

وی پس از شکستن بت ها تبر را بر دوش بت بزرگ آویخت و در پاسخ به این پرسش بت پرستان که چه کسی بت ها را شکسته است، فرمود: بت بزرگ این کار را انجام داده است.

مورد دیگر، ماجرای حضرت یوسف است. آن حضرت برای آن که کاری کند تا برادرانش شرمند یا مرتکب اشتباه دیگری نشوند و حضرت یعقوب (ع) را به مصر آورند، دستور داد پیمانه ی مواد غذایی را در ظروف آذوقه ی آن ها پنهان کنند و با صحنه سازی، آن ها را به دزدی متهم سازند. (یوسف-۸۰ تا ۷۰)

به این ترتیب گاهی به حکم ثانوی، پنهان داشتن حق جایز شمرده می شود. لذا رسانه ها نیز که در کنار اطلاع رسانی، وظیفه ی حفظ مصالح جامعه را نیز به عهده دارند، باید به این رویه بیشتر توجه کنند و در شرایط ویژه و حساس که بازگویی حقیقت موجب برپایی

■ بیان حق و پرهیز از عدم بیان حق:

حضرت رسول اکرم (ص) در این باره می فرماید:

«قل الحق ولو علی نفسك» (پابنده، ص ۵۴۵)

■ و در جای دیگری در خصوص اهمیت فرا گرفتن حق می فرماید:

«سخن حق را از گمراهان و اهل باطل فرا گیرید و سخن باطل را از اهل حق نیاموزید.» (فلسفی، ج ۱، ص ۳۷۴)

یکی از یاران امام سجاد (ع) از ایشان درخواست کرد که او را از جمیع طرق و مناهج دین آگاه سازد. حضرت در پاسخ او به قدر جامع تمام روش های اسلامی از سه مساله ی انسانی و اخلاقی نام برد:

«سخن حق، حکم به عدل، وفای به عهد.» (فلسفی، ص ۱۲۸)

از حضرت علی (ع) نیز روایات زیادی در این باره آمده است، از جمله:

«اخصر الناس من قدر علی ان یقول الحق ولم یقل» (آمدی، ص ۷۰)

«قولوا الحق تغموا واسکتوا عن الباطل نسلموا» (همان)

«من قال بالحق صدق» (همان)

«من استخیا من قول الحق فهو احمق» (همان)

«اصدق القول ما طابق الحق» (همان)

■ عمل به حق:

هر انسان حق طلبی موظف می باشد که پس از این که حق برایش آشکار گردید و به آن دست یافت، در صحنه ی عمل نیز خود را موظف به اجرای آن بداند و عمل خود را مطابق آن نماید. حضرت علی (ع) به این نکته اشاره می نماید:

«حق و باطل و لكل اهل فلئن امر الباطل لقدیمما فعل ولئن قل الحق فربما ولعل» (نهج البلاغه خطبه ۱۶)

حضرت در این خطبه به نزاع قدیمی که میان حق و باطل بوده است اشاره می کند و هریک را دارای پیروانی می داند و با وجود این که اکثراً حق پیروان اندکی دارد، برای او قدرتی بزرگ قائل است.

فساد در جامعه می شود، از افشای آن بپرهیزند. (شصت فولادی، ص ۲۰)

حضرت علی(ع) در یکی از سخنان حکمت آمیز خود می فرماید:

« لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله سبحانه قد فرض علی جوارحک کلها فربما یحتج بها علیک یوم القیامه » (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

امام علی(ع) در این سخن شیوا علاوه بر آن که مسئولیت انسان در قبال عملکرد اعضای خود، از جمله گفتار و نوشتار را گوشزد می کند، به این نکته تاکید می ورزد که هر سخن درستی را نیز نباید به زبان آورد و یا نوشت. آری، ملاحظات فراوان دیگری نیز وجود دارد که می تواند در روایی یا نا روایی اظهار یک خبر یا مطلب موثر باشد. برخی از ملاحظات به خصوصیات مخاطبان (ویژگی های روانی، عاطفی، معرفتی و ...) باز می گردد و برخی دیگر نیز ناشی از شرایط محیطی ارایه کننده و گیرنده خبر است. ضرب المثل شایعی در میان ما هست که می گوید: « دروغ گفتن حرام است اما راست گفتن واجب نیست ».

به طور مثال گاهی لازم می باشد از ذکر جزئیات یک جنایب فحیح برای عموم مردم، به دلیل آثار سوئی که بر روان و اخلاق عمومی دارد، بپرهیز نمود و یا از نقل بعضی مسائل برای کودکان و نوجوانان اجتناب کرد. گاه نیز محدودیت های فکری مخاطبان، مانع از بازگو کردن بسیاری از حقایق می گردد. در این زمینه نیز تعالیم بلندی از اولیای دین به ما رسیده است. از جمله کلام مشهور پیامبر(ص) که می فرمود: « ما گروه پیامبران با مردم به اندازه خرد آنها سخن می گوئیم ». (مطبوعات اسلامی، ص ۱۹۸)

یکی از بارزترین مصادیق محدودیت های اخلاقی موقعی است که نشر یک خبر سبب هتک عفت عمومی گردد. امام علی(ع) در نهی از نشر مطالبی که باعث عمومی ناسازگار است می فرماید:

« ایباک ومستهجن الکلام فانه یوغر القلب » (آمدی، ص ۲۱۴).

و در سخن دیگری به لزوم دقت در تناسب موقعیت زمانی و مکانی نشر کلام اشاره می نماید:

لا تکلمن اذا لم تجد لکلام موقعا (آمدی، ص ۲۱۲).

البته تاکید بر محدودیت های عرضه ی اخبار و مطالب نباید خبرنگار مسلمان و متعهد را از جانب

افراط به تغریب کشاند. در این شرایط نیز حفظ اعتدال کمال مطلوبی است که البته راه یافتن به آن چندان ساده نیست. روزنامه نگار حق مدار کسی است که در صورت فراهم آمدن شرایط از اظهار حق چشم پوشی نمی کند و هر فرصت مناسبی را برای ارتقای سطح آگاهی های مردم مغتنم می شمارد.

حضرت علی(ع) می فرماید:

لا تمسک عن اظهار الحق اذا وجدت له اهلا (آمدی، ص ۷۰) (مطبوعات اسلامی، ص ۱۸۳)

اکنون به برخی موارد لزوم خودداری و جلوگیری از نشر برخی از اخبار اشاره می کنیم:

■ یکی از مهم ترین این موارد زمانی است که نشر یک خبر موجب برانگیخته شدن آشوب های داخلی و از بین رفتن وحدت ملی گردد. بدیهی است که در این مورد، عقل و دین آدمی را ملزم می کند که سکوت کند و اخباری را که از آن آگاه است، در سینه ی خود نگه دارد تا آن زمان که شرایط اظهار آن فراهم شود.

پس از وفات پیامبر(ص)، عباس این عبدالمطلب و ابو سفیان پیشنهاد بیعت به امام علی(ع) دادند و امام که به خوبی بر اغراض ابوسفیان و اوضاع و شرایط سیاسی آن زمان واقف بود، از این عمل سر باز زد و در پاسخ به آن ها به خطبه ای اکتفا کرد که در بخشی از آن بدین واقعبیت اشاره می کند که از اخباری آگاه است که اظهار آن به آشوب و اختلاف می انجامد. (نهج البلاغه- خطبه ۵)

■ یکی دیگر از موارد حفظ اسرار، حفظ اخبار جنگی می باشد. بدیهی است که افشای اسرار جنگی، به ویژه در دوران نبرد، می تواند عواقب جبران ناپذیری برای سپاه اسلام داشته باشد.

امام علی(ع) در یکی از نامه های خویش به مرزبانان به این واقعبیت اشاره می کند:

« الا وان لکم عندی ان لا احتجز دونکم سرا الا فی الحرب » (نهج البلاغه- خطبه ۵۰)



آن در دادگاه اعلام شود. اما سخن در این جاست که بر اساس اصول اخلاقی قاعده اولی آن است که حریم خصوصی افراد با افشای عمومی اسرار آنان آسیب نبیند. (مطبوعات اسلامی، ص ۱۸۶)

■ همان گونه که در سطرهای قبل آمد، اصحاب رسانه باید، در ارائه یک سری از مسائل شأن و منزلت شنونده ی خویش را در نظر گرفته و از ارائه مطالبی که به هردلیل تناسبی با وضعیت روحی و معرفتی مخاطب ندارد، پرهیز نمایند. بنابراین، یکی دیگر از موارد لزوم سکوت و کتمان خبر موقعی است که مخاطب اهلیت و شایستگی دریافت آن را ندارد. حضرت علی(ع) در یکی از خطبه های خویش پرده از این حقیقت برمی دارد که سینه اش مالمال از اخبار و اسراری است که تنها خواص یارانش را شایسته شنیدن آن می داند و برای پیشگیری از انحراف آرای مردم از نقل عمومی آن اجتناب می کند:

« والله لو شئت ان اخبر كل رجل منكم بمخرجه و مولجه و جميع شأنه لقلت و لكن اخاف ان تكفروا فی برسول (ص) الا و انی مفیضه الی الخاصه ممن یومن ذلك منه والذی بعثه بالحق و اصطفاه علی الخلق ما انطق الا صادق و قد احد الی بذالك كله و مهلك من یهلك و منجی من ینجو و مال هذا الامر » . (نهج البلاغه - خطبه ۱۷۴) (مطبوعات اسلامی، ص ۱۹۹)

■ از دیگر مسئولیت های اخلاقی اصحاب رسانه، حفظ حریم زندگی خصوصی افراد و پرهیز از افشا اسرار آنان است. در جامعه اسلامی، حفظ حریم و آبروی افراد لازم می باشد و تا آن زمان که ضرورتی ایجاب نکند، هیچ کس حق ندارد با آشکار کردن اسرار پنهان مردم، اسباب هتک آبرو و لکه دار شدن شخصیت اجتماعی آنان را فراهم کند. در قرآن نیز به همین مطلب اشاره شده است:

یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون (انفال - ۲۷)

امام علی(ع) در برخی از سخنان خویش پس از اشاره به اینکه مومنان در کوران مفاسد و فتنه های اجتماعی اهل نجات و رستگاری اند، آنان را چنین وصف می نمایند:

« لیسوا بالمساییح و لا المذاییح البذر » (نهج البلاغه - خطبه ۱۰۲)

البته همانطور که در سطر های قبل اشاره شد، گاهی مصالحی اقتضا می کند که اسرار و مسایل خصوصی افشا گردند. به طور مثال چه بسا در محاکم قضایی رسیدگی به یک پرونده ایجاب کند که تحقیقاتی درباره ی امور و روابط خصوصی افراد انجام شده، نتایج

◆ منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ۱- آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۳۶۶.
 - ۲- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
 - ۳- یویا، علیرضا، ۱۳۸۳، خبر و خبررسانی در قرآن کریم، تهران، دانشکده صداوسیما.
 - ۴- راعب اصفهانی، ابی القاسم، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
 - ۵- رویکرد اخلاقی در رسانه ها، ۷۳۳۱ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و توسعه رسانه ها.
 - ۶- شصت فولادی، کیان، ۱۳۸۵، اخلاقی مطبوعات، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.
 - ۷- طباطبایی، محمدحسین، بی تا، تفسیرالمیزان، قم، جامعه المدرسین.
 - ۸- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۶۸، الحدیث، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - ۹- مطبوعات اسلامی، ۱۳۸۲، قم، موسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول.